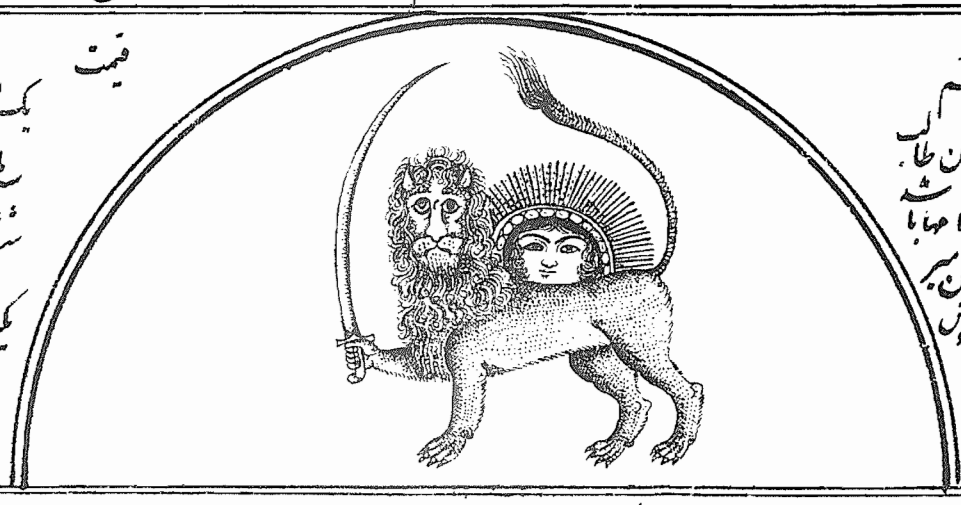
روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ جمعه سیم شهر جمادی الأول مطابق تسال ایت ایل سنه ۱۲۶۷

نمره پنجم

هر کس در طهران طالب نسخه این روزنامه باشد در بازار در دکان میر سید کاظم بلور فروش فروخته میشود

قیمت
یک نسخه دو شاهی
سه ماهش شش هزار
شش ماه یک تومان و دو هزار
یکسال دو تومان و چهار هزار



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

در روزنامه هفته گذشته که نوشته شده بود که رکاب اعلیحضرت پادشاهی بجهة اعتدال هوا چند روزی بشکارگاه کن تشریف خواهند برد در روز سه شنبه سلخ شهر ربیع الثانی تشریف فرما شدند

بعضی از معارف پیروان ملا محمد علی ملحد ملعون بابی را که محمد خان میر پنجه از خمسه مجبوسا همراه خود آورده بود چهار نفر از آنها را که مصدر فتنه و خونریزی و منشا اغلب فسادهای آن ملعون بودند از جمله میر رضا نام ملقب بسردار و یکی دیگر فراشش غضب آن معون که شریرترین اتباع او بودند در روز یکشنبه بیست و هشتم شهر ربیع الثانی باشارت اعلیحضرت پادشاهی در پای قاپوق گردن زدند

سایر ممالک محروسه

از قراریکه در روزنامه دار السلطنه تبریز نوشته اند یک زنی در محله نوبر دختر خود را زده و کشته بود نواب حشمة الدوله

صاحب اختیار آذربایجان زن مزبوره را احضار نموده تحقیقات لازمه از او نمود عرض کرده بود که دختر من هر زکی میکرد و بخانه این و آن میرفت بارها نصیحت کردم سودی نبخشید بغیرتم نخشید زدم و کشتم

برحسب قراری که اولیای دولت علیه داده اند که فوج جدید خلخال با دو فوج دیگر همیشه در دار السلطنه تبریز حاضر باشند نظامی گشته در تعلیم آداب و فنون نظام اهتمام نمایند نواب حشمة الدوله این روزها صاحب منصب نظامی مامور و فوج جدید خلخال را بدار السلطنه تبریز برای مشق و تعلیم فنون حاضر احضار کرده اند

از معدن مس فراچه داغ از اهتمام دولت علیه بنظم گرفته است از قراریکه میرآقاسی خان مباشر عمل معادن فراچه داغ در پوشتخانه خود اظهار کرده بود استاد و عمله که گذاشته و پول داده معدنها را بکار انداخته و مشغول کار هستند و حالا شش خروار مس آب کرده خالص در معدن موجود است و باز در کار نده و این روزها نواب حشمة الدوله نوشته بودند که شش خروار مس آب کرده را که در معدن

موجود است اگر اولیای دولت اذن بدهند آورده دو
توپ بزرگ بریزند

از عدالت و سیاست اولیای دولت علیه در روزنامه سابق
و بسطام نوشته بودند که نوچیان مامور خراسان در راهها
بسیار با نظم و قاعده راه رفته اند محمد علی بیک یاور آنها
در کاروانسرای شاهرود دیده بود که یک نفر نوچی آتش
روشن کرده است بتصور اینکه از باغات ده ملاهیمه یخابی
شاید آورده باشد خواسته بود او را تنبیه کند نوچیان دیگر
ملتزم شده قسم یاد کرده بودند که این میرزم را به پول خریده
بعد معلوم شد که راست بوده و به پول خریده بوده است

در روزنامه یسنان نوشته اند که در ایراج که محال خمسه قراچه
سپهداری شیرداغ نام قریه شده بود داود را آورده غسل
بعد از غسل خواسته اند که از روی تخته برداشته کفن کنند
ناگاه از روی تخته حرکت کرده نشسته بخویشان خود گفت
برویید محمد رضا بیک که خدا را حاضر نماید رقه او را
آورده بودند و میت گفته بود که ده تومان از فلان شخص
طلب دارد و من ده تومان آنرا ملک خریده ام و سه تومان نشر او
هم الاغی خریده ام و الاغ را فرستاده ام کندم بیاورد
آن ملک و الاغ را بصاحب بخواهید بدهید بعد از اتمام این
گفتگوها دراز شده و دوباره بحالت مرگ عود کرده است

در روزنامه ارض اقدس نوشته اند که از اهتمام نواب حشمت السلطنه
شهزاده نورانیت نام دارد و کسانی در سالهای گذشته از
خوف اغتشاش ما از بی چیزی از شهر مشهد بیرون رفته بودند

از استماع و مشاهده اینجانب از کربلای معلی ما ولایات دیگر ما کوچ
مراجعت کرده روز بروز وارد مشهد میشوند در زدی و بچابی تیاز
کم است و اگر بندرت اتفاق بیفتد مال دزدیده شده به
صاحبش میرسد و در امور سیاست میکوشند

و درین روزها هفت نفر دزد شب بخانه رقه مخلفات خانه را
بدوش کرفته میبردند کرفهای شب بآنها برخورده خواسته بودند
انها را بکیرند کلا مالها را ریخته فرار کرده و کریخته بودند صبح
صاحب مالها پیدا شده و اموالشان تسلیم خودشان کردند

در اخبار فارس نوشته بودند که عباسقلی خان لاریجانی
حاکم بهبهان در آن صفحات بسیار با نظم و تسلط
راه میرود و آن صفحات را خیلی آمن کرده است محمد و طاهر
نوئی که از جمله خوانین الواریست کوه و سابقه خیانت
و جنایت که با قضای جبلت فطری نسبت بدولت در
ذمه او بود در قلعه محکم بهبی که داشت متحصن شده و
سخت دیوان اقدام مینمود و مالیات دیوان را نمیداد
و منشاء فتنه و فساد و قتل نفس شده بود عباسقلیخان
سردار لاریجانی حاکم بهبهان از نوکرلاریجانی و صاحبمنصبان
آنها که بپشت کوه مامور کرده بود بآنها حکم داده
که قلعه محمد باقرخان را بغلبه کرفته و خودش را بحبر کرده
پیش عباسقلی خان آورند و بپاداش خلاف
و خیانتهای سابق و تمرد و سرپیچی و شیطنت که این
روزها داشت عباسقلی خان او را بسیاست رسانده
سایر بلوکات فارس امن و آرام بوده است

احوالات متفرقه

کشتی بزرگ جنگی سلطان که نیز شوک میسامیدند چند وقت
پیش ازین در لنگرگاه اسلامبول غرق شده بود یک مهندس
صاحب منصب فرانسه درین باب تعهد کرده و با دولت
عثمانلو شرط بسته که کوشش نماید که هرچه از اسباب کشتی
که در آب مغروب نشده باشد بیرون بیاورد باین قرار که هر
از توپها و اسباب مس و برنج و آهن سوای توپهای آهنی در
نصف مال او و نصف مال دولت باشد اسباب چوب هر قدر
بیرون بیاورد یک ثلث مال او و دو ثلث مال دولت باشد و
توپهای آهنی را هرچه بیرون بیاورد هر توپی مبلغ چهل پوند
پول انگلیس که چهل و پنجهزار تومان پول ایران باشد از دولت
عثمانلو بگیرد و این مهندس چونکه درین کار ها مشهور است
بخصوص در بیرون آوردن کشتی جنگی دنیائی که چند وقت
پیش ازین غرق شده بود و هم چنین در بیرون آوردن توپهای
برنجی که درین نزدیکیها در رودخانه اسلامبول از دریا
بیرون آورده که دویست هزار دوشش پول رومی که چهار هزار
تومان پول ایران است قیمت توپهای مزبور را نوشته بودند بنا
جهات امید کلی دارند که در بیرون آوردن اسباب بیشتر
بتوانند از عهده برآید

کشتیهای جنگی پادشاه انگلیس که مدتی بود در آق دنگز گشت
میکردند درین روزها مراجعت بجزیره مالته کردند و چونکه
اگر داد و ستد و معاملات آنجا با فشون بحریست از مراجعت
کشتیهای مزبور بسیار خورسندی و شادمانی میکردند چونکه
بادکم بود چهار عدد کشتی بخار که در لنگرگاه بودند فرستادند
که کشتیهای بزرگ را بآنها بسته بیاورند لنگرگاه شهر

این کشتیها با فشون بحری که در میانشان هست در زیر حکومت
سرهنگ لیم پارکر میباشند و دایم الاوقات در سمت آق دنگز
گردش مینمایند

در یکی از روزنامهای پاریس نوشته اند که مفدین فرنگستان
سپاری در مملکت سویس جمع شده اند و از آنجا بفرانسه و آلمانیه
و ایطالیا و سایر ممالک آن اطراف کاغذها مینویسند و مدارک میدهند
که اگر مجال بیابند باز افساد بکنند لهذا وکلای دول که در
شهر برن جمع شده اند بعد از آنکه قراری در امورات سویس
گذاشته بنا دارند قدغن نمایند که مفدین را بمملکت سویس
راه ندهند و آمد و رفت آنها از آنولایت موقوف باشد

و در همان روزنامه نوشته اند که البته آنها که از تاریخ اطلاع
دارند میدانند که وقتیکه ناپلیان بنا پارت خواهر امپراطور آستریه را
بحبالهٔ خود درآورد پرنس شوارتزنبورق که از جانب
امپراطور آستریه در پاریس ایلچی بود مهمانی بزرگ کرده بود که در آن
مهمانی اکثر خوانین فرانسه حضور داشتند درین بین همان اطاق مهمانخانه
آتش گرفت طفلی در آتش افتاد یکی از زنهای کسان ایلچی مزبور رفته و
آن طفل را بسلامت بیرون آورد اما خود آنزن هلاک شد و
آن طفل حالا پرنس شوارتزنبورق و وزیر بزرگ امپراطور
آستریه است

در یکی از روزنامهای انگلیس که اکثر منشیان میسامند در خصوص
هندوستان باین طور نوشته اند که ممالک هندوستان که
الآن در دست دولت انگلیس است پنج مساوی خ دو جزایر
انگلیس میشود و بیست و پنج درجه عرض دارد که تخمینا سیصد
و هفتاد و پنج فرسخ باشد طول دارد و بعضی از این ممالک

فصل تابستان در ستان معلوم است بلکه بعضی جاها چها
فصل در وقت خود است اما سمت جنوب این مملکت
دایم الاوقات مانند تابستان است هوا بیشه گرم و درختها
هیچوقت بی برگ نمیشد سکنهٔ این ممالک هم مانند آ
در آیش مختلف العقاید اند در هندوستان غیر از چند طایفه
کوچک هشت قبیلهٔ بزرگ اند که هرکدام چندین کرور جمعیت دارند
و زبان و اخلاق و طرز هریک مختلف است اشراف هندوستان
اهل اراکن و پیگو و مَلائی و چین اند در دین و مذهب اهل
هندوستان که در تصرف دولت انگلیس است اکثر بان و
مذاهب مختلفه اند بعضی عیسوی اند از ملت نصرانی یونان و کتولیک
و کمی از ملت پراتستند و از مذهب هندو چند صد قسم اند این
اقسام بعضی خود را مقابل سک میشمارند و بعضی العیاذ بالله گاوهای
خدائی میکنند و درین ممالک هندوستان چت کرور مسلمانند
بعضی شیعه و برخی سنی و اختلاف و مغایرت در میان این دو
نیز در آنجا هست بعضی از هندو ها مرید بدّه و جاپو که نام
پیرشان بوده پیدا شدند و اینها اعتقاد به بهشت ندارند و میگویند
که بهشت همین است که آدمی معدوم میشود و آنها که از اهل چین
در هندوستان اند مرید کانفوش نام که پیرشان بوده پیدا شدند
و اعتقادشان این است که در باب بهشت آن دنیا تشکیک
دارند و بهشت را در همین دنیا میدانند این قدر ممالک و خلق مختلف
در زیر حکم یک نفر انگلیس است که گویا جز ان میدانند که معنی آن
فرمانفرماست و آنقدر از هندوستان که در تصرف دولت
انگلیس است چها جای حاکم نشین تقسیم شده و در زیر حکم فرمانفرمای
مزبور است یعنی بنگاله و مدرس و بمبائی و ممالک شمال مغربی
در بنگاله حاکم منصب مکرر خود فرمانفرما چونکه نشیمن جوش است

امورات این مملکت در دست خودش و اهل مشورتخانه خودش است در
مدرس و بمبائی هریک حاکم جداگانه از جانب فرمانفرماست و
شئون جداگانه و محاسبات مالیات دیوانی جداگانه است و
ممالک سمت شمال مغربی نیز در دست حاکم جداگانه از جانب فرمانفرمای
مزبور است اما شئون و نوکر دیوان بآنجا کلاً از بنگاله فرستاده میشود
بنگاله در حاصل از کل ممالک هندوستان پیش حاصل آور است
و در جلگه دشت سمت پائین رود خانهٔ گنجز یا گنگ که بهر دو آب
خوانده میشود واقع است و هشتاد کرور جمعیت دارد کلکته اول
در سمت بنگاله استقلال یافته بلکه بسبب همان ولایت و فراوانی
حاصل آنجا کم کم قوت گرفته تا اولاد پادشاهان هندوستان
که از طایفهٔ مغول دارا اولاد امیر تیمور گورکان بودند آخر مواجب خور
انگلیس شدند مالیات آنقدر از هندوستان که در دست انگلیس است
تخمیناً سالی صد کرور چیزی بالاحساب پول ایران میشود اما
این مالیات اکثر سالها در خود هندوستان مخارج دیوانی میشود
بعضی سالها چیزی زیاد می آید و بعضی سالها هم کسری می آورند
بعد از صد سال جنگ سخت و زحمات زیاد حاصل دلگرمش این شده است
که هرچه از هندوستان گرفته میشود در خود آنولایت خرج میشود

یکی از تجارت بزرگ ولایت انگلیس ماهی گیریست و بسیار نفع برمیدارند
آنجا میرسانند بعضی نان زیاد بفروش میبرند و بعضی رام شور کرده هم در
آنولایت مصرف میکنند و هم بخارج بفروش میبرند و در آخر مالیات
گذشته شکار بعضی جاها بسیار خوب شده بود خصوص ماهی که در آن دریاچه
از وسط تابستان تا آخر پائیز فراوان میشود کشتیهای ماهی گیری
هریک بقدر پنجاه شصت خار پشتی میگیرند و نوشته اند که کشتی بوده است که دو هزار
و چهار هزار ماهی گرفته بود و هر صد عدد او قران پول ایران فروخته شده